

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نازنین و یامین

۲۴ جون ۲۰۱۹



چپ رفرمیست و الگوی اسکاندیناوی

۱

چکیده

این نوشتار در نقد چپ رفرمیستی است که با ادعای "خسونت پرهیزی"، "ناکارانی تاریخی طبقه کارگر ایران" و "توفیق عملی مدل سوسیال-دموکراسی اسکاندیناوی" به میدان آمده تا با نفی راهکارهای انقلابی، به تبلیغ رفرمیسم بپردازد.

مقدمه

در جایی که همگان کار می کنند و مازاد محصولی وجود ندارد و ارزش اضافه خلق نمی شود، طبقه ای هم به وجود نمی آید و مبارزه طبقاتی نیز جریان پیدا نمی کند. در واقع مبارزه طبقاتی جدالی است بر سر تصاحب محصول مازاد و ارزش اضافه. در جوامع طبقاتی پیشاکاپیتالیستی، ارزش اضافه در اشکال الف-کار (مثل بیگاری برای حکمروا) ب- کالا یا محصول (مثل بهره مالکانه) ج- پول (مثل ربا)، توسط تولیدکنندگان مستقیم (برده ها، سرف ها و ...) آفریده می

شد که به زور به تصرف طبقه حاکم و مسلط (برده دار، فئودال، و ...) درمی آمد. در جوامع کاپیتالیستی ارزش اضافی تولید شده ای که توسط طبقه بورژوا به یغما برده می شود، آنچه که دستگاه های اقتصادی جوامع گوناگون را از یک دیگر متمایز می سازد، یعنی آنچه: " از یک ویژگی خاص برخوردار است به عنوان مثال جامعه مبتنی بر کار بردگی را از جامعه مبتنی بر کار مزدی تفکیک می کند، فقط شکل کشیدن این کار اضافه از گرده تولید کننده بلافصل یعنی کارگر است [1]. به عبارت دقیقتر، در اینجا، ارزش اضافه به زور شلاق برده دار و شمشیر جیره خوار زمیندار ستانده نمی شوند، بلکه با " آزادی " و " رضایت شخصی " اردوی کار، به تصرف سرمایه دار درمی آید! 2! در اینجا، نیروی کار، در کمال آزادی و رضایت شخصی به بنگاههای تولیدی و خدماتی مراجعه می کند تا استخدامش (استثمارش) کند! در عین حال، سرمایه بهترین متخصصان را به کار می گیرد تا ایدئولوژی "انسان محور" و "فراطبقاتی" بتراشند، از "برابری" آحاد جامعه- در برابر قانون - و "آزادی" همگان- در چارچوب قانون - بگویند؛ و منافع طبقه حاکم را به عنوان منافع همگان جابزنند، نظم جاری را خواست اکثریت جامعه وانمود کنند، از اقتدار "آراء عمومی" (دموکراسی) سخن برانند، ... و خلاصه سیستم مبتنی بر مالکیت انحصاری بورژوازی و کارمزدی را به مثابه بهترین نظام اجتماعی، به توده ها قالب کنند!

اما ناکامیهای اقتصادی، اجتماعی و زیست-محیطی کاپیتالیسم- به ویژه در دهه های اخیر -به قدری پر دامنه و عمیق بوده که حتی صدای اعتراض سردمدارانش (از جمله بیل گیتس) را هم درآورده است! 3! فرانسیس فوکویاما که بعد از فروپاشی دیوار برلین، از پیروزی تاریخی کاپیتالیسم به ذوق آمده و پایان تاریخ را اعلام کرده بود، پس از گذشت ۵۲ سال مدعی شد که سوسیالیسم باید بازگردد! 4!

حیات اجتماعی اردوی کار- حتی در امریکا یعنی ثروتمندترین کشور جهان -با چنان واقعیات دردناک و سنگینی همراه شده که دیگر جانی برای عوامفریبی ایدئولوژیک-تبلیغی کاپیتالیست ها باقی نگذاشته است 5. و در این دوره که رویگردانی از کاپیتالیسم و گرایش به سوسیالیسم، در قلب کاپیتالیسم جهانی خودنمایی می کند 6، چپ رفرمیست با الگوی سوسیال-دموکراسی اسکاندیناوی به میدان آمده تا آبروی رفته کاپیتالیسم را بخرد و با عوامفریبی، مدل سویدنی را به مثابه یک الگوی "عملی و عقلانی" به جنبش کارگری ایران بفروشد!

در خاورمیانه (به ویژه ایران)، خیز برداشتن چپ رفرمیست رابطه مستقیمی با برآمد خیزش های وسیع توده نی دارد. اوج گیری مبارزات اردوی کار، افراد و جریاناتی را که منافع شان را با ابقای کاپیتالیسم گره زده اند به تحرک درآورده است. اینان در لباس "خیرخواهان"، "تجربه اندوختگان سیاسی"، "خشونت پرهیزان"، "چپ های دموکرات" و ... قد علم کرده اند تا از "احساسات کور" توده ها (یعنی انقلاب!) جلوگیری کنند و آنان را به مسیر "عقلانی" هدایت نمایند! اقدامی که نمونه اش را در تاریخ چپ رفرمیست، به وفور می شود یافت:

در اندونزی ۱۹۶۵ در جریان خیزش توده ای علیه سوکارنو، حزب کمونیست اندونزی (PKI) با بورژوازی ملی تباری کرد که نتیجه اش کودتای امریکائی (به رهبری ژنرال سوهارتو) بود که به قتل عام حدود چهار میلیون کارگر و دهقان انجامید 7.

نمونه دیگر در پرتغال بود. به دنبال سرنگونی سالازار (۱۹۷۴) قانون اساسی سوسیالیستی در کشور پرتغال به تصویب رسید. قدرتهای جهانی با توسل به کودتا و سایر حيله ها کوشیدند تا انقلاب را سرکوب کنند؛ اما هیچ یک از این اقدامات مثمرتر واقع نگردیدند. پس دست به دامن چپ رفرمیست شدند تا انقلاب را به بیراهه ببرند! به همین منظور، دولت سوسیال دموکرات المان و دولت سوسیال-دموکرات سویدن فعالانه وارد صحنه شدند و تحت عنوان "گسترش دموکراسی"، به طور مخفیانه، از طریق کمکهای هنگفت مالی به چپ رفرمیست، انقلاب را به انحراف کشاندند. به

دنبال این اقدام، همه مراکز اشغال شده از مردم پس گرفته شد؛ (بانکها، صنایع و مؤسسات مجدداً خصوصی شدند و ماریو سوارس Mário Soares سوسیالیست! نظم سرمایه دارانه را مجدداً در پرتغال برقرار کرد!

هوگو چاوز(۱۹۹۸) 8 و نمونه تازه تر سیریزا(یونان؛ ۲۰۱۵) مثالهای دیگری از عملکرد چپ رفرمیست هستند! بنا به آخرین خبر، دولت یونان در طول ۱ سال گذشته، با ۵۱۶ میلیارد یورو قرض، به مقام بزرگترین مقروض تاریخ بشر (با در نظر گرفتن سطح تولید ناخالص داخلی اش) نایل شده است 9! به دنبال ورشکستگی اقتصادی یونان و رشد اعتراضات خشونت بار که یانوس واروفاکیس- اقتصاددان سوسیالیست-را در رکابش داشت، حزب سوسیال-رفرمیست سیریزا با وعده مردم Siriza بهبود اوضاع به قدرت رسید. شیفتگان رفرم، که از "عروج چپ" در اروپا به وجد آمده بودند، با تمام قوا، از سیریزا حمایت کردند.

پیروزی سیریزا در انتخابات، موج اعتراضات توده ئی را خواباند و نهایتاً در ۲۳ جون ۲۰۱۵، سیریزا به خواسته های سرمایه جهانی تن داد و همان پاکت ریاضتی را که دولتهای بورژوائی نتوانسته بودند با زور به مردم تحمیل کنند امضاء کرد! بعد هم با ادبیات به عاریت گرفته، اقدامش را توجیه نمود!

"جلسه اخیر سران اروپا در واقع نقطه اوج یک کودتا بود. در سال ۱۹۶۷ نیروهای خارجی برای از بین بردن دموکراسی در یونان از تانک استفاده کردند. من طی مصاحبه ای با فیلیپ آدامز ABC Radio Natinals گفتم که در سال ۲۰۱۵ یک کودتای دیگر توسط قدرت های خارجی صورت خواهد گرفت؛ این بار نه با تانک، بلکه به کمک بانک های یونانی. مهم ترین تفاوت اقتصادی این دو کودتا این است که در سال ۱۹۶۷، ثروت های ملی یونان را هدف قرار نگرفت. در سال ۲۰۱۵ نیروهائی که در پس این کودتا قرار دارند خواستار تحویل باقیمانده ثروت های کشور هستند تا صرف بازپرداخت بدهی های غیرقابل پرداخت و ناپایدار ما شود. 10"

لازم به توضیح است که تأکید بر نقش برجسته (اما نه یگانه و تعیین کننده - چپ رفرمیست) در به شکست کشاندن و به انحراف بردن شورش های توده ئی، به معنای اغراق در نقش اجتماعی-سیاسی آن و کم رنگ کردن نقش عوامل اقتصادی و تحریکات میلیتاریستی سرمایه جهانی برای حفظ نظم کاپیتالیستی نیست. مبارزه طبقاتی، ایده ها و تشکل هائی را شکل می دهد و به عرصه می آورد که در نزاع طبقاتی مورد استفاده قرار می گیرند و تجاوزات اقتصادی، نظامی و سیاسی بورژوازی را ثنوریزه می نمایند. چپ رفرمیست یکی از این موانع است. نادیده گرفتن و یا کم بها دادن به نقش آن می تواند برای اردوی کار ایران، گران تمام شود 11.

گذشته در یک نگاه گذرا

تاریخ چپ رفرمیست ایران، برای خوانندگان این سطور آشناست، پس با مرور اشاره وار به این تاریخ، از گذشته نقبی به امروز می زنیم تا تحریکات امروزی این گرایش را بهتر دریابیم. در اواسط حکومت ناصرالدین شاه، مهاجرت ایرانیان به قفقاز آغاز شد. گفته می شود که تنها در سال ۱۹۰۵، بیش از ۳۰۰ هزار ایرانی به قفقاز (یکی از مراکز فعال کارگری) مهاجرت کردند و در صنعت نفت، معادن مس و غیره شروع به کار نمودند. این امر موجب ارتقای آگاهی سیاسی کارگران ایرانی گردید 12 که به تأسیس حزب اجتماعيون-عاميون (که ترجمه سوسیال-دموکرات بود) انجامید؛ آنهم تنها چند ماه بعد از صدور فرمان مشروطه (۱۹۰۵) 13 و حدود ۱۱ سال پس از تأسیس حزب سوسیال-دموکرات آلمان.

مرانامه حزب اگرچه اقتباسی از برنامه سوسیال-دموکراتهای روسی بود 14، ولی بیشتر تحت تأثیر سوسیالیسم اتوپیائی سن سیمون و اومانسیم آگوست کنت بود 15. از همان ابتداء، دو گرایش انقلابی و رفرمیستی- در درون حزب -

به وجود آمد. انقلابیون به مبارزه برای استقرار کمونیسم باور داشتند و خواستار سازماندهی حزب طبقاتی کارگران و دهقانان بودند حال آن که رفرمیستها از مبارزه ضداستبدادی و دموکراتیک حمایت می کردند جلوه بارز این اختلاف را می شود در جلسه ۱۲ اکتوبر ۱۹۰۸ (۱۲۸۷ ه ش) تبریز دید. جناح رفرمیست که در اقلیت مطلق بود و می رفت تا صحنه را به انقلابیون واگذار کند، طی نامه هائی به کائوتسکی و پلخانف، خواستار رهنمود و کمک فکری شد. پاسخ آنان هم روشن بود: با سرمایه خارجی مبارزه کنید تا ارزش اضافه از کشور خارج نشود؛ به رشد سرمایه بومی کمک کنید تا کارگران آمادگی لازم را کسب کنند! به این ترتیب، جناح رفرمیست توانست با بهره گیری از اتوریته رهبران رفرمیست سوسیال-دموکراسی، جناح انقلابیون را تضعیف کند 16.

در سال ۱۹۰۹ حزب سوسیال-دموکرات به مجلس مشروطه راه پیدا کرد و خواستهای مهمی را مطرح نمود؛ از جمله اصلاحات ارضی، پرداخت دستمزد مشروع، حق تشکل، حق رأی عمومی، آزادی بیان و آزادی مطبوعات 17. در جریان مجلس دوم این حزب، به حزب دموکرات تغییر نام داد و پس از انقلاب اکتوبر، "حزب عدالت" و بعدتر "حزب کمونیست ایران" (۱۹۲۰)، پایه گذاری کرد 18.

نزاع بزرگ بعدی میان گرایش انقلابی و رفرمیستی، در کنگره اول حزب کمونیست ایران (۱۹۲۱) رخ داد. در آنجا سلطانزاده اعلام کرد که ایران، انقلاب بورژوائی را پشت سر گذاشته و اکنون آماده یک انقلاب کارگری-دهقانی، بر مبنای اصول سوسیالیستی است. به علاوه او معتقد بود که مارکسیستها باید یک جنبش کاملاً کمونیستی را در برابر گرایشهای بورژوائی ایجاد کنند 19. حال آن که حیدرخان عمواعلی معتقد بود که ایران نه به سوی انقلاب سوسیالیستی بلکه به سوی انقلاب ملی به پیش می رود. حیدرخان بر این باور بود که اقتصاد ایران پیشاکاپیتالیستی بوده، پرولتاریای صنعتی وجود نداشته، دهقانان واجد اعتقادات "خرافی" بوده و... خلاصه اینکه حزب کمونیست باید حزب همه طبقات و اقشار ناراضی، از جمله خرده بورژوازی و ... ضدامپریالیست ها باشد 20!

نهایتاً کنگره، ر آ ی به گرایش انقلابی داد و سلطانزاده را به رهبری برگزید. اما چند ماه بعد، او برکنار شد و حیدرخان رهبری حزب را به عهده گرفت و سیاستهای رفرمیستی اش را بر حزب غالب نمود 21. پس از این ماجرا، حزب به دو شاخه چپ (به رهبری اوتیس میکائیلیان یا حبیب سلطانزاده) و راست (حیدرخان عمواعلی) تقسیم گردید. لازم به توضیح است که تاریخ نویسان شوروی سابق سلطانزاده را جزو "اپوزیسیون تروتسکی-زینوویف" به حساب می آورند و ظاهراً به همین اتهام هم بود که در جریان، تصفیه های ستالینی به قتل رسید 22.

در جریان مجلس چهارم مشروطه 23، حزب سوسیالیست ایران، به رهبری سلیمان میرزا اسکندری تشکیل شد (۱۹۲۱). این حزب خواهان انقلاب سوسیالیستی بود و مرامنامه ترقیخواهانه ای داشت از جمله برابری زن و مرد و ممنوعیت اعدام 24. عمر این حزب کوتاه بود؛ آنهم به این دلیل که فعالیت احزاب اشتراکی- به دستور رضاخان - ممنوع اعلام شد (۱۹۳۱) بنا به این قانون عضویت در احزاب اشتراکی ده سال زندان داشت به دنبال همین قانون نیز بود که دستگیری و محاکمه جریان موسوم (۵۳) نفر صورت پذیرفت 25.

اشغال ایران (۵۶۱۵) به وسیله متفقین و سقوط رضاشاه، زمینه ظهور و فعالیت سیاسی احزاب سوسیالیستی را فراهم آورد "حزب توده" در این دوره، با چهار هدف فوری (الف - آزادی بقیه زندانیان ۵۳ نفر، ب - رسمیت دادن به فعالیت حزب ج - انتشار روزنامه حزبی د - تدوین برنامه ای که مخالفتی با روحانیت نداشته باشد 26) اعلام موجودیت نمود؛ و فعالیتش را با دفاع از الف-مشروطیت ب -ناسیونالیسم ج-دموکراسی د-سوسیالیسم اصلاح گرا (رفرمیسم) آغاز نمود. جالب اینجاست که وقتی تحریکات کارگری پا گرفت و حزب کمونیست ایران تشکیل شد، لغو مالکیت خصوصی و اجتماعی کردن تولید و غیره، جزو مطالبات گرایش سوسیالیستی طبقه کارگر ایران بود. بعدها، وقتی چپ رفرمیست،

در قالب حزب توده، به میدان آمد، دفاع از مالکیت دولتی (گذار مسالمت آمیز به سوسیالیسم) را به عنوان نظریه پایه نئی تبلیغ نمود! سیاستهای رفرمیستی این حزب به قدری آشکار - و برای خوانندگان آشنا است - که بازگویی شان کسالت آور خواهد شد. نقل همین پاراگراف از آبراهامیان به اندازه کافی گویاست:

یک متفکر حزب در مقاله ای تحت عنوان "چگونه نظام را تغییر دهیم: با انقلاب یا با مجلس؟" اعلام کرد که تجربه اسپانیا خطرات انقلاب زودرس را به ما نشان داده است. او توضیح داد که ایران، هم به سبب اوضاع بین المللی... هم داخلی، به ویژه فقدان سازمانهای توده نئی، آماده انقلاب نیست. وی با این نتیجه گیری که سخن گفتن از انقلاب غیر مسؤولانه است، اظهار داشت که حزب باید بکوشد تا با متحد ساختن همه نیروهای مترقی، و کار در داخل و خارج مجلس، طبقه حاکم را تضعیف کند... 27. حزب توده، مبارزه سیاسی را بر مبارزه مسلحانه، اتحادیه های کارگری را بر مبارزه جویی انقلابی، بقای سازمانی را بر اقدام قهرمانانه و اصلاح طلبی پارلمانی را بر کمونیسم رادیکال ترجیح می دهد. 28"

احزاب منشعب از حزب توده هم عموماً سیاستهای رفرمیستی را دنبال کردند. آنهایی هم که مواضع رادیکال گرفتند یا به قدری کوچک یا حاشیه نئی بودند که تأثیر قابل ذکری در تاریخ جنبش سوسیالیستی نگذاشتند 29. در واقع "سازمان چریکهای فدائی خلق ایران" اولین جریانی بود که در اعتراض به رفرمیسم غالب (حزب توده)، پا به عرصه سیاست گذاشت. محبوبیت این جریان - در ابتدای تأسیس - بازتابی از توجه و تمایل جامعه ایران به راهکارهای انقلابی و آزردگی از راهکارهای رفرمیستی بود اما دیری نپائید که بخش "اکثریت". این سازمان به آغوش رفرمیسم در غلتید!

از آن زمان تا به امروز، همین روند تداوم داشته و جدال میان رفرمیسم و انقلاب ادامه داشته است.

ادامه دارد

پانویس

- 1 - مارکس، کاپیتال، جلد اول، ترجمه جمشید هادیان، فصل ۶، نرخ ارزش اضافه، ۵ - درجه استثمار قوه کار
- 2 - برای آگاهی بیشتر به جزوه "کار مزدی و سرمایه"، نوشته کارل مارکس (۱۹۸۱) مراجعه کنید. لینک دسترسی به (فایل صوتی) برای شنیدن نیاز به برنامه مجانی Real Player دارید.
- 3 - بیل گیتس در مصاحبه با ایندیندنت اذعان می کند که سوسیالیسم کار نمی کند و سوسیالیسم یگانه امید برای نجات کره زمین است. لینک دسترسی
- 4 - آلن وودز " // سوسیالیسم باید بازگردد: " نگرش جدید فوکویاما " لینک دسترسی به اصل مقاله، در حاشیه مقاله اصلی و ترجمه فارسی آن " ترجمه نیکزاد زنگنه
- 5 - به نقل از صدای امریکا " ۹۱ درصد امریکائی ها زیر خط فقرند "
- 6 - لینک دسترسی " ۰۴ درصد امریکائی ها سوسیالیسم را به سرمایه داری ترجیح می دهند "
- 7 - حزب کمونیست اندونزی، بعداً در جریان انتقاد از خود، در یک سند تاریخی به خطایش اعتراف کرد و آن را به درک غلطش از اوضاع مرتبت دانست! بخشی از اسناد این جنایت تاکنون منتشر شده است که یک نسخه آن به فارسی موجود است.
- 8 - نوشته آرون، " ونزوئلا: انقلاب بولیواری در بحران " برای مطالعه بیشتر در باره انقلاب بولیواری در ونزوئلا به رهبری چاوز به مقاله تاوس، ترجمه مریم فرهمند مراجعه کنید.

۹ - به نقل از دویچه وله فارسی لینک دسترسی

۱۰ - اظهارات واروفاکیس، وزیر سابق دارائی یونان. جهت کسب اطلاعات بیشتر از تجارب وی، به مصاحبه نوام چامسکی با واروفاکیس مراجعه کنید.

۱۱ - تروتسکی در ارزیابی از نقش احزاب و گرایشات سیاسی در انقلاب اسپانیا نوشت: این یک تحریف تاریخی است که مسؤولیت شکست "توده های اسپانیا را به پای توده های زحمتکش می نویسد و نه احزابی که جنبش انقلابی توده ها را فلج نمودند و یا صراحتاً در هم شکستند... این فلسفه ناتوان که می کوشد تا شکست ها را به مثابه حلقه ضروری در زنجیر تحولات کیهانی جا بزند، ابداً نمی تواند و نمی خواهد نسبت به فاکتورهای مشخصی مثل برنامه ها، احزاب و شخصیت هائی که سازمان دهنده شکست بودند موضع بگیرد *The Class, The Trotsky, Party and*

The Leadership

۱۲ - برای آشنائی بیشتر با شرایط اقتصادی-اجتماعی آن دوره، تاریخ صد " نوشته پرواند آبراهامیان یا مقاله " تاریخ صد ساله جنبش های سوسیالیستی، کارگری و کمونیستی ایران نوشته یونس پارسا بناب، مندرج در سامان نو، شماره ۷، ص ۱۵۳ مراجعه کنید ". احمد کسروی اسامی بنیادگذاران " اجتماعيون-عاميون " را ۱۳ نفر ذکر نموده که از آن جمله نریمان نریمانوف است (تاریخ مشروطه کسروی)، ج ۱، ص ۱۹۴

۱۴ - از صفحه ۰۲ به " اسناد تاریخی: جنبش کارگری، سوسیال دموکراسی، و کمونیستی ایران، جلد اول " متن این مرامنامه را می توانید در بعد بخوانید.

۱۵ - نوشته پرواند آبراهامیان، ص ۷۴ " ایران بین دو انقلاب "

۱۶ - اسناد تاریخی: جنبش کارگری، سوسیال دموکراسی، و کمونیستی ایران، جلد اول "

۱۷ - نوشته آبراهامیان " ایران بین دو انقلاب " رجوع شود به کتاب

۱۸ - بعدتر در کشورهای همسایه نیز حزب کمونیست تشکیل گردید: ترکیه (۱۹۱۹)، مصر (۱۹۰۸) مرامنامه حزب کمونیست ایران، در اسناد تاریخی: جنبش کارگری، سوسیال دموکراسی، و کمونیستی ایران، جلد اول " از صفحه ۵۵ به بعد " .

۱۹ - نوشته سلطانزاده، به کوشش فریدون کشاورز و " انکشاف اقتصادی ایران و امپریالیسم انگلستان " برای کسب اطلاعات بیشتر به کتاب مبارزه طبقاتی کارکرد و واکنش وجود طبقات در جامعه است. با وجود طبقات و: " خسرو شاکری مراجعه کنید. او در اینجا استدلال می کند مالکیت های متضاد و آنتاگونیستی است که ستیز طبقاتی به سان یک همزاد طبقاتی رشد می یابد و به آستی ناپذیری بی چون و چرا می رسد. در ایران، روند پیدایش مناسبات سرمایه داری، از نیمه دوم سال های ۱۲۵۰ خورشیدی ۱۲۶۰ خورشیدی، آغاز می شود و در دهه نخست ۱۳۰۰ در این روند، حاکمیت سیاسی خود و " جدید " خورشیدی، بورژوازی دلال-کمپرادور حاکم می گردد. طبقه بورژوازی در ایران با مناسبات سرمایه جهانی (امپریالیسم) را در رهبری رضا شاه پهلوی می یابد. در این فرایند، هیچ مجالی برای رشد مناسبات سرمایه داری کلاسیک و ملی و مستقل و حاکمیت مستقل به دست نیامد و برای همیشه، شیوه تولید آسیائی و استبداد آسیائی، ایران در آسیا و آسیائی و بازاری در پیرامون جهان سرمایه باقی می ماند. این بورژوازی به شدت دلال جهانی سرمایه، به حاکمیت و سوخت و سازهای طبقاتی، تا به حکومت امروزی سرمایه در ایران توأم داشته است. آنچه در ایران امروز حاکم است، ادامه به غایت فلاکت بار همان مناسبات و حاکمیت دلان کالاهای دیگر بازارهاست... "ورشکستگی تنمهی تولیدات بومی از کشاورزی که در ۲۳ جلد، به کوشش خسرو شاکری جمع آوری شده، آثار

"اسناد تاریخی: جنبش کارگری، سوسیال دمکراسی، و کمونیستی ایران" در ۸، ۴ و ۲۴ قابل دسترسی هستند. سلطانزاده، در مجلدات ۰

۲۰ - نوشته پرواند آبراهامیان، ص ۱۰۴ " ایران بین دو انقلاب "

۲۱ - مطالبات اصلی حزب در این کنگره بر ۱ اصل استوار بود که مهمترین آنها عبارت بودند از: ۱ - سرنگون کردن سلطه امپریالیسم بر ایران ۲ - مصادره اموال کلیه شرکت های خارجی ۳ - شناسائی حق خودمختاری برای همه ملیت ها، در چارچوب وحدت کشور ۴ - مصادره کلیه املاک مالکان بزرگ و تقسیم آن، در بین دهقانان و سربازان ارتش انقلابی ۵ - اتحاد با روسیه شوروی و نهضت پرولتاریای جهانی. بعلاوه، مورد تصویب قرار گرفت ...، " ایجاد دیکتاتوری پرولتاریا در آذربایجان و گیلان، با حمایت شوروی "، در همین کنگره گزارش کامل این کنگره در اسناد تاریخی جنبش کارگری، سوسیال دمکراسی و کمونیستی ایران جلد اول، صفحه ۷۰ به بعد.

۲۲ - همانجا، ص ۶۸

۲۳ - در صفحه موسسه " جناح های سیاسی ایران در مجلس چهارم " برای کسب اطلاعات بیشتر راجع به این حوادث این مجلس به مقاله مطالعات و پژوهشهای سیاسی مراجعه کنید.

۲۴ -، " مرانامه فرقه سوسیالیست " برای کسب اطلاعات بیشتر راجع به این حزب و بخصوص مرانامه اش که برای اولین بار منتشر شده به نوشته ملک الشعراى بهار، ص " تاریخ احزاب سیاسی ایران " در نقد اقتصاد سیاسی مراجعه کنید. اطلاعات بیشتر در مورد این حزب در ۱۳۰ ببعد.

۲۵ - تا آنجا که اطلاع داریم از جریان ۱۱ نفر، سه روایت موجود است که توسط بزرگ علوی، خلیل ملکی و انورخامه ای حکایت شده اند.

۲۶ - آبراهامیان، ص ۲۵۴، کتاب " ایران بین دو انقلاب "

۲۷ - همانجا، ص ۲۵۷

۲۸ - همانجا، ص ۴۴۹

۲۹ - نیروی " مثل حزب زحمتکشان(بقائی و خلیل ملکی)و نیروی سوم .بدنبال جدائی بقائی از مصدق، ملکی از حزب اخراج شد .ملکی را تشکیل داد و به حمایت از مصدق پرداخت .آبراهامیان، ص ۲۵۰)، حزب توفان(قاسمی و فروتن)و ... آنهاى که علنى از انقلاب " سوم دفاع می کردند، جریان موسوم به احیای حزب دموکرات کردستان بود که خواهان خودمختاری(مدل یوگسلاوی)بود و راه حل مبارزه مسلحانه را پیش گرفته بود(آبراهامیان، ص ۴۱۶) و یا سازمان انقلابی حزب توده(خارج از کشور)که از انقلاب دفاع می کرد و معتقد بود که انقلاب از روستا شروع و به حاشیه شهر سرایت می کند .حزب توفان، هم موافق انقلاب بود ولی اعتقادش بر این بود که انقلاب از شهر شروع و به روستا گسترش می یابد .البته این توضیحات نارسا و نادقیق هستند و صرفاً برای تمایز قایل شدن بین حزب توده و انشعاباتش آورده شده اند.